

راهبردهای پیشنهادی  
جهت اعمال حاکمیت بر تنگه هرمز



مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی  
حوزه ریاست

مسئول پروژه:

حجت الاسلام و المسلمین دکتر علی نهایندی  
(رئیس مرکز تحقیقات اسلامی مجلس)

نویسندگان:

دکتر علی عبدالهی نیسانی  
(استراتژیست و عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)  
دکتر محمد صالح تسخیری  
(پژوهشگر حقوق بین الملل و عضو هیئت علمی دانشگاه قم)

اظهار نظر کنندگان:

دکتر جواد ابراهیمی  
دکتر محمد حسین باقری فرد

عنوان گزارش:

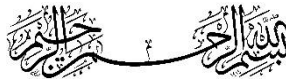
راهبردهای پیشنهادی  
جهت اعمال حاکمیت بر تنگه هرمز

شماره ثبت در مرکز:

۰۵/۰۲-۷۵۲

تاریخ انتشار:

بهار ۱۴۰۵



## راهبردهای پیشنهادی جهت اعمال حاکمیت بر تنگه هرمز

مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی

حوزه ریاست

بهار ۱۴۰۵



## فهرست

- ۷.....چکیده
- ۹.....توضیح مختصر وضعیت تنگه و ۴ سازوکار متناظر
- ۹.....نگاه جزئی و سازوکار ۱:
- ۱۰.....نگاه میانی به اطراف تنگه و سازوکارهای ۲ و ۳:
- ۱۲.....نگاه کلان و سازوکار ۴:
- ۱۳.....سازوکارهای چهارگانه
- ۱۳.....سازوکار ۱: اختیار مدیریت کامل تنگه هرمز
- ۱۵.....سازوکار ۲: ائتلاف امنیتی کشورهای منطقه
- ۱۹.....سازوکار ۳: تحکیم کسب منافع از تنگه هرمز
- ۲۱.....سازوکار ۴: اتصال تنگه هرمز به کریدورهای بین المللی



## چکیده

با توجه به خوی بدعهدی آمریکا و توان و تمایل حداکثری آن به نقض تعهدات و همچنین با لحاظ واقعیت‌های میدانی جنگ در اینکه ایران صلاحیت و اقتدار محدودش ناپذیر و مشروع خود را در اعمال حاکمیت تنگه هرمز به اثبات رسانیده، به نظر می‌رسد در میان ده شرطی که ایران برای توافق به آمریکا اعلام نمود، مهم‌ترین شرطی که می‌تواند همانند ستونی استوار به نفع ایران پابرجا بماند و در ادامه خودش نیز ضمانتی برای تحقق بیشتر اهداف و شروط بشود، «اعمال انحصاری مدیریت تنگه هرمز برای ایران» است. بنابراین در اینجا چهار سازوکار با محوریت مدیریت تنگه هرمز و با نگاهی جامع و فرامنطقه‌ای و دستاوردهای مستقیم و غیرمستقیم متعدد نظامی، سیاسی و اقتصادی به نفع کشور عزیزمان طراحی و پیشنهاد شده‌اند.

اگرچه هم‌اکنون قابلیت و توان اعمال حاکمیت ایران در این تنگه به نمایش گذاشته شده، ولی برای تداوم مدیریت تنگه در آینده، حتی‌الامکان به رعایت ملاحظات حقوقی و استفاده از ظرفیت‌های حقوق بین‌الملل دریاها و آبراه‌های بین‌المللی و اقتضانات حقوقی مخاصمات مسلحانه (حقوق جنگ) در تمامی سازوکارها توجه اختصاصی شده است. یعنی سعی شده این سازوکارها حداقل اصطکاک را با حقوق بین‌المللی قراردادی (معاهدات) و عرفی داشته باشد؛ هرچند که به‌عنوان کشور پیروز در میدان، امکان اعمال ابتکار عمل‌هایی جدید نیز به نفع ایران در نقاط اهرمی در ساحت حقوق بین‌الملل متصور است.

از فواید مهم تحقق این سازوکارها آن است که بدین ترتیب احقاق تمامی مطالبات و حقوق حقه‌ی کشور، محدود به بازه زمانی مشخص و در پروژه مذاکرات نبوده، و دست کشور را برای ابتکار عمل‌های اقتضایی در آینده باز خواهد گذاشت. این امر از

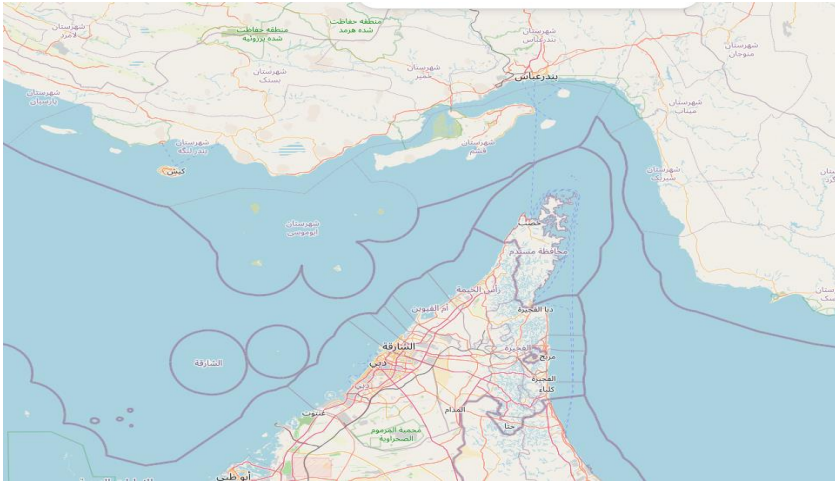
فشار وارد بر مذاکره‌کنندگان عزیز کشور می‌کاهد، امکان پیچیده‌سازی و دور زدن نتایج مدنظر را کاهش می‌دهد، و مذاکرات را مؤثرتر و سریع‌تر به سرانجام می‌رساند.

در این جا سعی شده ادبیات این سازوکارها نیز متناسب با نیاز مذاکره‌کنندگان گرامی کشور عزیزمان و در حداکثر وضوح، نقطه‌زنی و اختصار نگارش شوند. دیگر اسناد و اطلاعات پشتیبان و همچنین مبانی علمی و استراتژیک، در صورت نیاز ارائه خواهند شد.

با تأکید بر این نکته که هر ۴ سازوکار به‌عنوان یک بسته کامل اهمیت کلیدی و حیاتی در تحقق منافع کشور دارند، اما این سازوکارها به ترتیب از ۱ تا ۴ تسهیل‌گر و زمینه‌ساز یکدیگر می‌باشند. بنابراین سازوکار ۱ نقش بنیادی تری نسبت به دیگر موارد دارد و باید به‌طور دقیق اجرایی شود.

## توضیح مختصر وضعیت تنگه و ۴ سازوکار مناظر

### نگاه جزئی و سازوکار ۱:



تنگه هرمز در نگاه ما به دو قسمت شمال جزیره لارک و جنوب آن تقسیم می‌شود. از لحاظ حقوقی شمال جزیره لارک داخل آب‌های داخلی ایران محسوب می‌شود و ایران اجازه حداکثر اعمال اقتدار حاکمیتی را بر کشتی‌های عبوری از این قسمت تنگه را خواهد داشت. در قسمت جنوب لارک نیز دریای سرزمینی ایران وجود دارد و در این قسمت نیز حاکمیت ایران بدون محدودیت و بر مبنای حقوق بین‌الملل جریان دارد. پس از اتمام آب‌های سرزمینی، اعمال حاکمیت بر تنگه با صلاحیت تقسیم‌شدن میان ایران و کشور عمان به گونه‌ای است که هیچ قسمت آزاد بین‌المللی برای کشورهای ساحلی تنگه وجود ندارد.

طبق تمامی معاهدات و اسناد بین‌المللی، ایران به شرطی که مسیری جایگزین در اختیار کشتی‌های عبوری قرار دهد، می‌تواند مستند به توجیهاتی (امنیتی - نظامی، یا محیط‌زیستی یا بهره‌برداری امن بومی (مثل قایق‌های ماهیگیری)) از تردد کشتی‌های بین‌المللی در قسمت جنوبی لارک ممانعت کند. یعنی نباید تنگه به‌طور کامل مسدود و بسته شود. جنگ حاضر چنین توجیهی را مهیا نموده، بنابراین در سازوکار ۱ پیشنهاد شده که مسیر شمال لارک - که دولت ایران در این قسمت حاکمیت کامل دارد به‌عنوان مسیر انحصاری تمامی کشتی‌ها، جایگزین عبور از تنگه اعلام شود. به‌دلیل بنیادی بودن سازوکار ۱ باید ممانعت از عبور کشتی‌ها از جنوب لارک، حداکثری و استثناناپذیر باشد.

### نگاه میانی به اطراف تنگه و سازوکارهای ۲ و ۳:



در نگاه ما باید به سه قسمت مجزای خلیج فارس، تنگه هرمز، دریای عمان تقسیم شود. وضعیت حاکمیتی و تأمین امنیت تنگه هرمز بدون خدشه به تعهدات بین‌المللی عمان و ایران با کمک سازوکار ۱ در انحصار ایران قرار می‌گیرد.

در دو پهنه خلیج فارس و دریای عمان هم‌اکنون مناطقی به عنوان منطقه انحصاری - اقتصادی و آب‌های آزاد معرفی شده‌اند؛ بدین معنی که تمامی کشتی‌های نظامی بین‌المللی غیر از کشورهای حاشیه این دو پهنه نیز امکان حضور دارند. در سازوکار ۲ پیشنهاد شده است که امکان حضور نظامی و مدیریت امنیتی در این دو پهنه صرفاً میان کشورهای دارای ساحل در آن‌ها تسهیم شود. بنابراین پهنه دریای عمان میان ایران و عمان و سهم کوچکی از امارات، و پهنه خلیج فارس میان ایران و دیگر کشورهای خلیج فارس تسهیم می‌شود؛ با این لحاظ که ایران به لحاظ گستره ساحلی و عمق استراتژیک بیش از ۵۰٪ از سهم نظامی را خواهد برد. ما در سازوکار ۳ پیشنهاد داده‌ایم که نگاهمان را محدود به گرفتن عوارضی یا تعرفه خدمات نکرده و ایران را خریدار و فروشنده انحصاری تمامی محموله‌ها، تکنولوژی‌ها و انرژی‌های وارد و خارج شده از تنگه هرمز نماییم. منافع متعدد اقتصادی، حقوقی، نظامی، سیاسی و تکنولوژی در چنین سازوکاری اندیشیده شده‌اند.

## نگاه کلان و سازوکار ۴:



ایران از دیرباز به عنوان پل ارتباطی شرق و غرب تمدنی و شمال و جنوبگان جهان مطرح بوده است. این ویژگی نقشی اساسی در شکل‌گیری تمدن مانا، عمیق، چندبعدی و میانجی‌گر ایرانی داشته است. تنگه هرمز می‌تواند علاوه بر خلق منافع عظیم اقتصادی، چنین جایگاه تمدنی را برای ایران جان‌احیاء نماید. در سازوکار ۴ پیشنهاد داده شده که در مذاکرات امکان‌تأسیس کریدور ایران - ارمنستان - گرجستان را در ازای اتصال ارمنستان به خود تنگه هرمز به دست آوریم. همچنین کریدور ایران - عراق (از سمت اربیل) - سوریه در ازای غرامت جنگ هشت‌ساله از عراق نیز در مذاکرات قابل مطالبه است. البته طرح دیگر کریدورها که مربوط به مذاکرات حاضر با آمریکا نیستند بعداً به ضرورت توضیح داده خواهند شد.

## سازوکارهای چهارگانه

### سازوکار ۱: اختیار مدیریت کامل تنگه هرمز

**چکیده تجویزی:** من بعد کشتی‌ها صرفاً و انحصاراً از مسیرهای تعیین شده از بالای جزایر قشم و لارک و در صورت لزوم در مراحل بعدی، به وسیله تأسیس «کانال‌های مصنوعی» در سمت ایرانی تنگه، برای پهلو گرفتن و یا تردد و گرفتن خدمات از درون سواحل این جزایر امکان عبور خواهند داشت.

از نگاه حقوق بین‌الملل و به دلیل شرایط جنگی و توان اعمال مدیریت اثبات شده کشور بر تنگه، ایران مجاز به بستن تنگه در قسمت جنوبی جزیره لارک به شرط بازگشایی این تنگه در قسمت شمالی این جزیره خواهد بود؛ چراکه این قسمت در داخل آب‌های داخلی که قابلیت حداکثر اعمال حاکمیت را دارد خواهد بود. بالطبع همانند ترانزیت در خشکی ما از امکان بازرسی کالاها و وضع عوارضی اقتضایی در آب‌های داخلی (پیش از خط مبدأ) و آب‌های سرزمینی خود بهره‌مند خواهیم بود.

### ابعاد تبیینی - توصیفی

۱. ایران همواره نیاز به توجیه عمومی برای حضور نظامی ایران در تنگه هرمز و ممانعت از تردد از قسمت جنوبی لارک و خارج از آب‌های سرزمینی خود داشته است. این توجیه با وقوع تجاوز همه‌جانبه علیه ایران از خاک همسایگان جنوبی تأمین شده است.

۲. با تمسک به توجیحات مختلف امنیتی، ماهیگیری و بهره‌برداری بومی، یا مثلاً استحصال منابع زیرزمینی و دریایی در آب‌های قسمت جنوبی تنگه هرمز مسیر عبور و مرور بین‌المللی گذشته مسدود خواهد شد و جایگزین آن، در قسمت شمالی آن کریدورهایی تمهید می‌شود. طبق حقوق بین‌الملل و معاهدات حقوق بین‌الملل دریا (۱۹۵۸ و ۱۹۸۲) در صورتی که ایران مسیری جایگزین در اختیار تردد دریانوردی بین‌المللی قرار دهد، امکان ممانعت از حرکت در دیگر قسمت‌ها را خواهد داشت.

نکته بسیار مهم این است که عمان در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها عضویت دارد و این سازوکار، به دلیل انطباق با راهکار حقوق بین‌الملل، بدون خدشه به تعهدات بین‌المللی عمان، مسیر جایگزینی ارائه می‌دهد که در آب‌های ایران است. اخذ عوارض و دیگر حقوق مالی که طبق کنوانسیون ۱۹۸۲ منع شده است نیز چون توسط ایران گرفته می‌شود، ناقض تعهدات بین‌المللی عمان نخواهد بود و حتی اگر ایران در شرایط کنونی وعده تسهیم منافع به عمان داده است، در آینده به دلیل مغایرت این منافع با مفاد کنوانسیون ۱۹۸۲ عمان را بر سر دوراهی خروج از معاهده یا انصراف از دریافت سهم خود سوق خواهد داد.

نکته دوم اینکه ایران باید «تمامی منافع مالی و غیرمالی» را در توافقات خود بیاورد و صرفاً اتکا به «عوارض» نکند. عوارض مفهوم خاصی است که در ادبیات حقوق بین‌الملل برای خدمات خاص در بنادر و کانال‌ها اخذ می‌شود؛ در حالی که ایران بیشتر از دیگر عواید همانند «تعرفه خدمات» و نظایر آن بهره خواهد برد.

## ظرفیت‌ها:

۱. مسیر پیشنهادی (شمال لارک به سمت ساحل ایران) به دلیل وقوع در آب‌های داخلی، امکان اعمال حاکمیت کامل ایران را به همراه خواهد داشت.
۲. همچنین به خاطر عمق ساحلی اندک کشور عمان در تنگه هرمز و طی توافقی دیگر تمامی اختیارات تأمین امنیت تنگه هرمز به ایران واگذار شده.
۳. حتی در قسمت‌های جنوبی تنگه هرمز نیز کشتی‌ها ناگزیر از عبور از آب‌های سرزمینی ایران هستند.
۴. در صورتی که به هر دلیلی، یک یا چند کشتی در محل تردد شمال لارک یا شمال قشم زمین گیر شوند و این مسیر غیرقابل کشتیرانی شوند، جنوب لارک نیز در آب‌های سرزمینی قرار دارد و به صورت موقت می‌توان بخش‌هایی از آن را به مسیر تردد اضافه کرد. قدرت اعمال حاکمیت در آب‌های سرزمینی همانند آب‌های داخلی است و ایران با محدودیتی روبرو نمی‌شود.

## سازوکار ۲: ائتلاف امنیتی کشورهای منطقه

**چکیده تجویزی:** منظور، ایجاد ائتلاف یکپارچه امنیتی کشورهای اسلامی خلیج فارس و دریای عمان با محوریت «عملی» ایران برای نظارت بر تمامی عبور و مرورهای تجاری و نظامی در پهنه آن‌ها می‌باشد.

هم‌اکنون به خاطر مدیریت تنگه هرمز و در وضعیت جنگی موجود عملاً مدیریت امنیت این دو پهنه دریایی در اختیار ایران قرار گرفته و این از نگاه عرف حقوقی و بین‌المللی نیز قابل تحمل است.

با امتداد همین وضعیت، به خصوص پس از نابودی زیرساخت‌های اقتصادی کشور، ایران اعلام می‌دارد که زین‌پس برای مشارکت امنیتی و نظامی در این دو پهنه، ملاک این هست که هر کشور تا سقف سهمی که از طول و عمق استراتژیک و مؤثر سواحل این دو پهنه را دارد (جزئیات فرمول بعداً ارائه خواهد شد) امکان مداخله و کنترل امنیتی بر تمامی عبور و مروها در آن‌ها را صرفاً به وسیله ارتش و نیروهای بومی خود خواهد داشت. یعنی غیر از تنگه هرمز که مدیریت آن طبق سازوکار ۱ در اختیار ایران خواهد بود و آب‌های داخلی مجاور هر سرزمین، تأمین امنیت و حضور نظامی در بقیه این دو پهنه دریایی تا سقف مذکور مجاز خواهد بود. البته هر کشور مشارکت‌کننده در تأمین امنیت این دو آبراه در نتیجه چنین مشارکتی نیز می‌تواند به تناسب عوارضی امنیتی دریافت نماید.

### ابعاد تبیینی - توصیفی

#### پیامدهای مورد انتظار:

۱. تأمین امنیت این دو پهنه به خصوص برای کشورهای سرمایه‌محور، مورد نیاز است و در این سازوکار نیز متناسب با همین ثبات مورد نیاز، دیگر هیچ نیروی نظامی بیگانه امکان حضور و فعالیت در دریای عمان و خلیج فارس را نخواهند داشت.

۲. دیگر کشتی‌های غیرنظامی وابسته به دولت‌های غیرساحلی موجود در دریای عمان و به ویژه خلیج فارس هم تحت کنترل عملی ایران قرار می‌گیرند.

غرض اصلی این سازوکار: خروج عملیاتی نیروهای نظامی بیگانه از منطقه (هدف جنگ کنونی)، جلوگیری از زمینه‌سازی برای دور زدن منافع ایران در تنگه هرمز (توافق‌نامه‌های نظامی و کریدوری)، امکان مدیریت اقتصادی کل پهنه دریای عمان و

خلیج فارس

## ظرفیت‌های تسهیل‌گر تحقق این سازوکار:

۱. منع حضور نظامی دولت‌های غیر ساحلی در بسیاری از توافقات بین‌المللی همانند معاهده چارچوب دریای خزر، وجود دارد و مفهومی آشنا برای دولت‌های ساحلی دریاهاست و نیمه‌بسته است. البته ثبات ایران پس از تجربه حضور بیگانگان در این منطقه و ان‌شاءالله با پیروزی ما در این جنگ راحت‌تر مورد تقاضا و پذیرش بین‌المللی خواهد بود.

۲. به‌خاطر طول و عمق مؤثر سواحل ایران، عملاً بیش از ۵۰٪ سهم مدیریت و کنترل دریای عمان و خلیج فارس در اختیار ایران قرار می‌گیرد و بقیه سهم نیز میان همسایگان متعددی خرد می‌شود. این طرح عملاً اقتدار یکپارچه ایران بر این پهنه آبی - خاکی را تقویت می‌کند.

۳. همچنین به‌دلیل صلاحیت انحصاری ایران در تنگه هرمز به‌عنوان آبراه کلیدی، و اقتدار اثبات‌شده و بومی نظامی ایران در این جنگ، در کنار ضعف نظامی و وابستگی کشورهای دیگر، کنترل ایران با اجرای این طرح عملاً بسیار بیش از ۵۰٪ خواهد بود. یعنی تقریباً کنترل کامل این دو پهنه دریایی در اختیار ایران خواهد بود.

۴. کشورهای حاشیه خلیج فارس و خصوصاً قطر و بحرین که محصور در آن هستند بیشتر وابسته به ثبات نظام جمهوری اسلامی ایران خواهند شد. و این به ثبات کشور و منطقه کمک خواهد کرد.

۵. کنترل نظامی دریای عمان در اختیار دو کشور ایران و عمان قرار خواهد گرفت که چون ساحل ایران طولانی تر است، و تنگه هرمز نیز در ورودی آن در کنترل ایران است، و همچنین به خاطر ضعف نیروی نظامی عمان و البته طبع مسالمت‌جوی این کشور، این دریا کاملاً در کنترل ایران قرار خواهد گرفت. همین موضوع میزان ابتکار عمل ایران در خلیج فارس را نیز تقویت می‌کند.

۶. دیگر ظرفیت‌های معطل مانده در نحوه عبور و مرور کشتی‌ها میان بوموسی و دو تنب بزرگ و کوچک امکان مدیریت پهنه خلیج فارس و بالطبع امکان نظارت بر تحولات دولت‌های ساحلی جنوب خلیج فارس را بیش از پیش میسر می‌سازد.

۷. زمینه‌سازی برای تشکیل ائتلاف نظامی کشورهای اسلامی از اهداف تمدن‌ساز می‌تواند باشد. اهمیت اصلی این ایده راهبردی آن است که: کنترل توافقی‌های بعدی، همچنین کریدورها و بنادری که بالقوه و بالفعل قرار است تنگه هرمز را دور بزنند (مثلاً بندر جفیر و توافق آیمک) نیز در اختیار ایران قرار خواهد گرفت.

۸. دولت جمهوری اسلامی ایران در برهه‌های مختلف با طرح ایده «ابتکار هرمز»، «ائتلاف امید» و «مجمع همکاری و گفتگو» تلاش کرده بود از ابزار همگرایی منطقه‌ای برای رفع تنش‌ها استفاده کند. به نظر می‌رسد فضای پساجنگ با تخلیه هیجان‌ات کاذب دولت‌های جنوبی خلیج فارس، فضا را برای شکل‌گیری این ائتلاف فراهم سازد؛ ائتلافی که با هدف کنترل نظامی صورت می‌پذیرد، اما می‌تواند ابعادی همانند همگرایی حقوقی، اقتصادی، مذهبی و... را نیز پوشش دهد.

### سازوکار ۳: تحکیم کسب منافع از تنگه هرمز

با هدف نظارت و کنترل کامل محموله‌های ترانزیتی از تنگه هرمز.

**چکیده تجویزی:** ایران تمامی محموله‌ها را در ورودی تنگه هرمز خریداری کرده و تحویل می‌گیرد و هنگام خروج از آن مجدداً (به صاحب کشتی) طبق اقتضائات حاکمیتی خود فروخته و تحویل خواهد داد. این نوع از رابطه حقوقی در حقوق داخلی و ترانزیت خاکی مشابه دارد، اما در حوزه حقوق دریاهای، اقدامی ابتکاری به‌شمار می‌آید.

مثال فوری و ملموس از نتایج این حاکمیت: به‌عنوان نمونه یکی از اهداف استفاده از اهرم مسدودسازی تنگه هرمز در این جنگ، قیمت‌گذاری دستوری (با هدف ۲۵۰ دلار) قیمت نفت از سوی ایران بوده است که به‌جای محدود کردن طرف عرضه در مکانیزم بازار می‌توان از این سازوکار به اثربخشی و کارایی بالاتر بهره‌برد. بدین صورت که در میانه جنگ نظامی - اقتصادی که آمریکا بازار نفت را به‌صورت دستوری در حدود ۱۱۰ دلار ثبات داده، ایران با همین سازوکار و وضع قانون جدید در آب‌های داخلی خود، تمامی نفت وارداتی در ورودی به تنگه هرمز (مابین قشم و لارک) را به‌صورت صوری با قیمت بازار خریداری و بعد از حدود ۳۰ الی ۵۰ کیلومتر طی مسیر در داخل آب‌های ایران و هنگام خروج از تنگه هرمز با قیمت ۲۰۰ دلار به همان کشتی می‌فروشد و مابه‌التفاوت را دریافت می‌کند. این گونه با سرعت بیشتر و هزینه کمتر قیمت نفت را در میانه جنگ مدیریت می‌نماید.

در این سازوکار ایران مختار است عدد قیمت‌گذاری فوق (۲۰۰ دلار)، و نرخ معامله (دلار) را در مورد کشورها (مثلاً چین یا عمان) یا محموله‌های متفاوت (حتی غیر از نفت) و در اقتضائات مختلف به دلخواه خود تغییر داده و مدیریت کند.

## ابعاد تبیینی - توصیفی

۱. هژمونی دلار و آمریکا به دلایل سیستمی - اقتصادی به کنترل قیمت نفت وابسته است. در میانه جنگ حاضر آمریکا قوانین بازار آزاد را نقض کرده و به صورت دستوری قیمت نفت را پایین و با ثبات نگه داشته است.

۲. در مقابل نیز استراتژی ایران صرفاً نظامی (موشک) نبوده و اقتصادی (نفت و انسداد هرمز) هم هست. همزمان نظر کارشناسان بر این است که در صورت موفقیت ایران در رساندن نفت به هدف ۲۵۰ دلار ساختار امنیتی آمریکا از درون منهدم خواهد شد.

۳. وجود شرایط جنگی تحمیلی علیه ایران + تسلط قدرتمندانه ایران بر تنگه هرمز + ابتکار ایران در عبور کشتی‌ها از سواحل داخل سرزمینی لارک و قشم (سازوکار ۱)، نقض قوانین بازار آزاد از سوی آمریکا، به ایران این مجوز را می‌دهد که قوانین جدید مطلوب خود را بر آب‌های سرزمینی داخلی خود اعمال کند.

تفاوت با اخذ عوارضی از ترانزیت نفت: ایران محموله‌های کشتی‌ها را به هنگام ورود به تنگه هرمز واردات محسوب و تملک می‌کند، و هنگام خروج از آن نیز صادرات محسوب می‌نماید. این از لحاظ حقوقی چیزی بیش از اخذ عوارض از ترانزیت است.

**دیگر پیامدها و منافع:** رفع خودکار تحریم ایران، حجم انبوه منافع مادی و اشتغال‌زایی ناشی از گردشگری ترانزیتی در جنوب کشور ده‌ها برابر بیشتر از عوارضی ساده، امکان بازرسی محموله‌ها و مدیریت دانش و تکنولوژی کشور، تحریم کشورهای متخاصم و اقتدار سیاسی کشور، مدیریت مقتدرانه بازارهای جهانی، جلوگیری از دور زدن نفت در تنگه هرمز به وسیله دیگر کالاهایی که آن کشور مجبور است از تنگه عبور دهد، ایجاد وابستگی در دیگر کشورهای منطقه در وجود ثبات در ایران

## سازوکار ۴: اتصال تنگه هرمز به کریدورهای بین‌المللی

**چکیده تجویزی:** به صورت مشخص اتصال کشورهای مختلف دنیا به تنگه هرمز در قبال اعطای دسترسی و کریدور به ایران با هدف بازیابی نقش هاب و محوری کشور.

### ابعاد تبیینی - توصیفی

با توجه به نقش محوری تنگه هرمز و تمهیدات حاکمیتی که در آن ایجاد کرده‌ایم می‌توانیم جایگاه راهبردی ایران را به عنوان هاب جهانی بوسیله تاسیس کریدورهای مختلف به چین (از مسیر افغانستان) و هند (از مسیر کشمیر) و دیگر قطب‌های جهانی و اتصال آن‌ها به تنگه هرمز تحکیم نمود. اما به صورت مشخص در اینجا و در مذاکرات جاری با آمریکا لازم است زمینه‌سازی راه‌اندازی دو کریدور در دو کشور ارمنستان (به سمت گرجستان) و عراق (ارپیل - سوریه) انجام شود. در نگاه اول این کریدورها به موضوع تنگه هرمز و جنگ جاری ارتباطی ندارند، ولی اقتدار اثبات‌شده ایران در این تنگه و جایگاه استراتژیک آن، نیاز به موافقت آمریکا در برقراری این کریدورها، و همچنین اهمیت راهبردی این دو کریدور برای ایران و در نهایت نیاز این دو کشور به اتصال به تنگه هرمز جایگاه این موضوع را روشن می‌سازد.

**ارمنستان:** با کمک زمینه‌سازی‌های انجام‌شده در سه سازوکار پیشین می‌توان از خفگی ژئوپولیتیک ارمنستان، و تمایل آن کشور به عدم اتصال دو قسمت مجزای کشور آذربایجان (تحت فشار آمریکا کریدور زنگزور تصویب اولیه شده است)، و در عین حال تمایلش به امنیت کشور خود، از کریدور جنوب به شمال (اتصال به گرجستان) اختصاصی ایران استفاده نمود.

به عنوان نمونه ایران می تواند پیشنهاد دهد در ازای دریافت این کریدور ارمنستان را به تنگه هرمز طبق معاهده‌ای با محدودیت‌های کمتر متصل می‌سازد. تأکید بر تنگه هرمز (و نه پهنه آبی خلیج فارس و دریای عمان) مبتنی بر سه سازوکار قبلی مورد تأکید بیشتر است.

**عراق:** همانند کریدور ارمنستان می‌توان از موهبت کریدور اربیل - سوریه برای اتصال ایران به دریاهاى آزاد و اروپا استفاده نمود. این کریدور برای عراق علاوه بر آنکه می‌تواند بخشی از بدهی گرامت جنگی جنگ هشت‌ساله را پوشش دهد، از آنجایی که میان عراق و سوریه فاصله می‌اندازد، نقش مثبت امنیتی نیز خواهد داشت.



گزارش راهبردی

